

بررسی قاعده استیمان و کاربردهای آن در قراردادهای بانکی^۱

محمدنقی نظریور^۲

فرشته ملاکریمی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۱۹

چکیده

قاعده استیمان از قواعد فقهی باب معاملات است. فحوی قاعده استیمان در رابطه با عدم‌ضمان سخن می‌گوید. این قاعده دارای آثار مشخصی بر روی معاملات است و ضوابطی را مقرر می‌نماید که عدم‌رعایت آن مشروعیت قرارداد را مخدوش می‌نماید. سؤال اصلی مقاله این است که کاربرد و مصادیق این قاعده در قراردادهای بانکی چیست؟ روش تحقیق در این مقاله روش توصیفی تحلیلی و مبتنی بر منابع فقه امامیه بوده و به دنبال بررسی این فرضیه است که مصادیقی از قاعده استیمان در قراردادهای بانکی وجود دارد. نتایج تحقیق حاکی از آن است که مطابق قاعده استیمان، در قراردادهای بانکی که جنبه امانی داشته، مشتریان نسبت به اتلاف تسهیلات در فرض عدم‌تعدی و تفریط ضامن نیستند مگر این که ضمان را با پذیرش شرطی بر عهده گرفته باشند. درواقع پس از تغییر ید امانی به ید ضمانی، گیرنده تسهیلات مسئول هر گونه نقص یا عیب احتمالی است حتی اگر بر اثر حوادث قهری ایجاد شده باشد. مطالعه موردی برخی از قراردادهای بانکی مانند مشارکت مدنی، مضاربه و مرابحه که از جنس عقود امانی هستند، نشان می‌دهد اگرچه اثر و کارکرد قاعده استیمان در این عقود پذیرفته شده لکن با استفاده از ظرفیت شرط ضمن عقد، ید امانی گیرنده تسهیلات به ید ضمانی تبدیل شده است. بر همین اساس مشتریان نظام بانکی که مطابق قاعده استیمان از ید امانی برخوردار بودند و امین محسوب می‌شدند، مکلف به جبران خسارات احتمالی حتی در فرض

۱. مقاله پیش رو برگرفته از طرح پژوهشی «کاربرد قواعد فقهی در قراردادهای بانکی» است که در پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران انجام گرفته است. لازم به ذکر است در راستای انجام این طرح کارگروهی با حضور حجت‌الاسلام سیدعباس موسویان، مجید رضایی و محمدرضا یوسفی تشکیل شد که مباحث کاربردی مقاله محصول این کارگروه است.

nazarpur@mofidu.ac.ir

۲. دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه مفید

f.mollakarimi@gmail.com

۳. کارشناس پژوهشکده پولی و بانکی (نویسنده مسئول)

عدم تعدی و تفریط هستند. همین مسأله یعنی ضامن قرارداد دادن فرد امین از نگاه برخی از فقها با مقتضا و کارکرد اصلی برخی عقود همچون قرارداد مضاربه منافات دارد.

کلید واژه‌ها: امین، ید امانی، ضامن، تعدی، تفریط، قراردادهای بانکی

طبقه بندی JEL: G24، K12، N45.

مقدمه

یکی از معیارهای ارزیابی میزان انطباق قراردادهای بانکی با مبانی و احکام شریعت قواعد فقهی است. به عبارت دیگر قواعد فقهی دستورهای کلی فقهی است که در باب‌ها و بخش‌های گوناگون راه دارند و فقیه با نظر به این قواعد به استنباط احکام می‌پردازد. در فقه اسلامی برخی از قواعد فقهی به حوزه معاملات مربوط می‌شود به گونه‌ای که فقیه با ملاحظه این قواعد در مورد احکام شرعی معاملات نظر می‌دهد و حکم به صحت یا بطلان یک قرارداد می‌نماید. به عبارت دیگر یکی از معیارهای صحت و بطلان قرارداد، تطابق و یا عدم تطابق آن با قواعد فقهی است. باتوجه به جایگاه قواعد فقهی در حوزه معاملات، توجه به این قواعد در بانکداری و مالیه اسلامی نیز دارای اهمیت است به گونه‌ای که می‌توان ادعا کرد بدون شناخت و استفاده صحیح از این قواعد نمی‌توان به نظام بانکی و ابزارهای مالی سازگار با روح و اهداف شریعت اسلام در حوزه اقتصاد دست یافت. در همین راستا ضروری است که قراردادهای بانکی را براساس قواعد و احکام عمومی باب معاملات مورد سنجش قرار داد. قواعد و احکام عمومی باب معاملات تحت عنوان کلی قواعد فقهی قرار می‌گیرد.

مقاله حاضر درصدد است به تبیین و بررسی این قاعده از قواعد فقهی باب معاملات با عنوان قاعده استیمان و کاربردهای آن در قراردادهای بانکی بپردازد. درواقع هدف از پژوهش حاضر بررسی نقادانه قراردادهای بانکی از منظر این قاعده است.

سؤال اصلی مقاله این است که کاربرد و مصادیق این قاعده در قراردادهای بانکی چیست؟ روش تحقیق در این مقاله روش توصیفی تحلیلی با استفاده از شیوه اجتهادی متعارف در حوزه‌های علمیه و با اتکاء به منابع فقه امامیه بوده و به دنبال بررسی این فرضیه است که مصادیقی از قاعده استیمان در قراردادهای بانکی وجود دارد و مشروعیت این قراردادها از منظر این قاعده محرز است. در مقاله حاضر پس از مقدمه پیشینه تحقیق ارائه و سپس قاعده استیمان تعریف، آنگاه مدارک و مفاد قاعده تبیین و چگونگی کاربرد آن در قانون مدنی بررسی می‌شود. در قسمت دیگر مقاله مواد قراردادهای بانکی از منظر این قاعده تحلیل و نقد و در پایان جمع‌بندی و نتیجه‌گیری صورت می‌پذیرد.

۱. پیشینه تحقیق

باتوجه به اهمیت ویژه فقیهان شیعه به قواعد فقهی در استنباط و استخراج حکم، تلاش آنان بر این بوده که مسائل فقهی را تحت قواعد کلی درآورند و شعاع هر قاعده ای را مشخص کنند. ایشان از دیرباز در این زمینه اقدام به تألیف کتب فقهی نموده‌اند که از مهم‌ترین آنها می‌توان به القواعد و الفوائد (شهید اول، متوفی ۷۸۶ق)، عوائد الایام (احمدبن محمد نراقی، متوفی ۱۲۴۴ق) و عناوین‌الاصول (سیدعبدالفتاح مراغی، متوفی ۱۲۵۰ق) اشاره کرد.

از میان فقیهان معاصر نیز برخی به تألیف کتب قواعد فقهی به زبان عربی و فارسی پرداخته‌اند. در سال‌های اخیر محققان هم در رابطه با دو قاعده مورد بحث اقدام به نگارش مقالاتی نموده‌اند. لطفی (۱۳۷۸) در مقاله‌ای با عنوان «قاعده استیمن در سقوط ضمان» با استفاده از روش تحلیلی توصیفی به بررسی تقسیمات ضمان، مفهوم قاعده استیمن، ادله و مفاد قاعده، ثمرات فقهی و حقوقی آن و ... می‌پردازد.

علی‌آبادی (۱۳۸۲) مقاله‌ای با عنوان «تمامیت قاعده استیمن» با استفاده از روش تحلیلی توصیفی بیان می‌دارد یکی از قواعد مشهور و مورد اختلاف قاعده عدم‌ضمان امین مگر در صورت ارتکاب تعدی یا تفریط است که به تعبیر استیمن اختصار می‌گردد برخی با نسبت دادن استثنائی بر قاعده استیمن آن را فاقد کلیت پنداشته‌اند درحالی‌که تمامیت قاعده فقهی مذکور و نادرستی استثنائات متصور بر آن امری مسلم بوده است.

۲. قاعده استیمن

یکی از قواعد مشهور و پر مصداق فقه، عدم‌ضمان امین مگر در صورت تعدی یا تفریط است که در منابع فقهی و حقوقی به «استیمن» تلخیص می‌شود. منظور از قاعده عدم‌ضمان امین یا استیمن این است که هرگاه شیء (مال) مورد امانت، در دست امین تلف گردد، در صورتی‌که امین در حفاظت از آن تعدی یا تفریطی نکرده باشد، ضامن نخواهد بود و مسئولیت مال تلف شده را برعهده نخواهد داشت.

به عبارت دیگر هرگاه مالی به عنوان امانت در اختیار غیرمالک قرار گیرد و او در حد متداول و متعارف نسبت به حفاظت آن مال کوشش کند؛ به طوری‌که ترک اقدام لازم یا انجام فعل ممنوع از ناحیه وی صورت نگیرد و در عین حال مال به علت یا عللی در دست او تلف شود، دارنده‌ی مال در

مقام امین نسبت به عین، مثل یا قیمت مال تلف شده، مسئولیت ندارد چه اینکه کل مال تلف شود یا جزء آن از بین رود. براین اساس، مالک مال، برای جبران آن نمی‌تواند به امین مراجعه یا مطالبه‌ای داشته باشد.

البته فقیهان در خصوص قاعده استیمان دو دیدگاه عمده دارند. عده‌ای آن را قاعده‌ی مستقل و تام نمی‌دانند و در واقع به قاعده‌ی «علی الید ما أخذت حتی تؤدی» ارجاع می‌دهند (محمّدی، ۱۳۷۴، ص ۹۱). این قاعده بدین معناست که بر هر دستی واجب است، آنچه را که از دیگران گرفته، بپردازد. در واقع اصل در ید، ضمانی بودن آن است و ید امانی استثنائی بر ید ضمانی است. براین مبنا، عدم‌ضمان امین مگر در صورت تعدی و تفریط، یک قاعده‌ی مستقل و کامل به شمار نمی‌رود. اما طبق دیدگاه دوم استیمان قاعده‌ای مستقل است و آن را نمی‌توان به قاعده «علی‌الید...» ارجاع داد؛ زیرا این دو قاعده هر یک در مجرای خود جاری است.

۲-۱. مقصود از استیمان

مطابق نظر برخی از فقیهان در تعریف استیمان آمده است: «إن الاستئمان عبارة عن إذن المالك أو الشارع في قبض المال أو التصرف فيه لمصلحة المالك، لا لمصلحة القابض نفسه، و لا للمركب منهما..»؛ استیمان عبارت است از اذن مالک یا شارع در گرفتن مال یا در تصرف در مال برای مصلحت مالک نه برای مصلحت گیرنده یا هر دو» (مراغی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۴۸۳).

البته به تعریف فوق اشکالی وارد است. زیرا کالایی که در اختیار امین قرار می‌گیرد همیشه برای مصلحت مالک نیست بلکه گاهی هم به مصلحت امین مثل مستعیر یا به مصلحت هر دو مثل موجر و مستأجر است این درحالی است که در تعریف فوق، عبارت «لمصلحة المالك، لا لمصلحة القابض نفسه، و لا للمركب منهما..» آمده است. در گریز از اشکال فوق می‌بایست استیمان این گونه تعریف شود:

هرگاه از طرف مالک یا شارع به کسی اذن داده شود که در مالی به‌عنوان حفظ آن برای صاحبش یا به‌عنوان استفاده از منافع، تصرف کند، آنگاه مال بی‌آنکه شخص مأذون تعدی یا تفریط نموده باشد، آن شخص ضامن نخواهد بود (محمّدی، ۱۳۷۴، ص ۶۲).

۲-۲. مدارک قاعده

فقیهان برای اثبات حجیت قاعده‌ی استیمان به چندین دلیل استناد جسته‌اند که ذیلاً به اهم آنها اشاره می‌کنیم:

۲-۲-۱. قرآن

آیه ۹۱ سوره توبه بیان می‌دارد « مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ ...؛ بر نیکوکاران از هیچ راه حرج و زحمتی نیست ... ». این آیه دلیل بر عدم مسئولیت امین می‌باشد؛ زیرا امین حکم محسن و نیکوکار را دارد. امین چه از طرف شارع و چه از طرف مالک، برای نفع صاحب مال اقدام می‌کند و هرگونه ضمان بر عهده‌ی وی نوعی زحمت و حرج است که مطابق آیه‌ی شریفه این زحمت و حرج نفی شده است. از این آیه دلیل عقلی بر عدم ضمان امین نیز استفاده می‌شود. زیرا وقتی امین را محسن و نیکوکار فرض نمودیم و قائل شدیم که تعدی و تفریطی هم از سوی او صورت نگرفته، عقل برای وی غرامت و مسئولیت را نمی‌پذیرد و آن را قبیح می‌شمارد. قول خدای تعالی در این آیه‌ی شریفه در حقیقت امضای این حکم عقلی است.

۲-۲-۲. روایات

برخی از روایات که به‌عنوان مستند قاعده استیمان در نظر گرفته شده‌اند عبارتند از:

الف: از علی (ع) نقل شده است: لیس علی المؤمن ضمان (بر شخص امین ضمان نیست) (محدث نوری، ۱۴۰۸ق، ص ۱۶).

ب: ابان بن عثمان از حضرت باقر (ع) پرسیده آیا اگر مال در دست کسی که با آن کار می‌کند تلف شود، ضامن است و امام (ع) فرموده‌اند: لیس علیه غرم بعد ان یكون الرجل امینا (باتوجه به این که آن شخص امین بوده بر او پرداخت خسارت لازم نمی‌آید) (کلینی، ۱۴۰۷ق، ص ۲۳۹).

ج: حدیث نبوی (ص) معروف: «لیس علی الامین الا الیمین» این جمله عام است و یعنی هیچ چیزی جز سوگند بر امین نیست. به بیان دیگر اگر مال مورد امانت نزد امین تلف یا ناقص یا معیوب شود هیچ‌گونه مسئولیت و ضمانی متوجه امین نیست و کافی است او سوگندی یاد کند تا هر ادعای ضمانی علیه او ساقط شود (نوری، ۱۴۱۴، ص ۳۸).

د: روایت سعه‌بن صدقه به نقل از امام صادق (ع) است که فرمودند: «لیس لک ان تاتمن من خانک و لا تتهم من اتتمنت»؛ حق نداری کسی را که به تو خیانت کرده امین بدانی و کسی را هم که امین می‌دانی حق اتهام زدن به او را نداری (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۹، ص ۸۱).

و: روایت امام صادق (ع) به نقل از رسول خدا (ص) است که فرمودند: «لیس لک ان تتهم قد اتتمنته»؛ تو حق نداری نسبت به کسی که او را امین می‌دانی اتهام وارد سازی (علامه مجلسی، ۱۳۹۵، ج ۷۸، ص ۲۴۷).

۳-۲-۲. عُسر و حَرَج

ضمان امین مستلزم عُسر و حَرَج است؛ زیرا اگر امین را ضامن بدانیم، باب امانت بسته می‌شود و از این طریق عُسر و حَرَج عظیمی جامعه را در برمی‌گیرد. درحالی‌که این امر مورد نیاز مردم است و برابر آیات و روایات، عُسر و حَرَج منتفی است تا امور مسلمان‌ها هرچه آسان‌تر و بهتر انجام شود و در روابط اقتصادی و دادوستد دچار مشکل نگردد (مراغی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۴۸۵). ضامن دانستن امین موجب اضرار بدون جهت به اوست، به‌ویژه در مواردی که کالا به‌عنوان امانت شرعی در اختیار او باشد، که هیچ دلیل موجهی برای تحمیل چنین ضرری بر امین وجود ندارد (همان، ص ۴۸۶).

۴-۲-۲. اجماع

وجود اجماع بر عدم‌ضمان امین دلیل دیگری در اثبات قاعده استیمان است. البته محتمل است با وجود دلایل ذکر شده در این خصوص به‌ویژه روایات فراوان، اجماع مذکور اجماع اصطلاحی در اصول فقه نباشد که کاشف از قول معصوم در آن مطرح است؛ بلکه اجماع مدرکی باشد که مستند به ادله و وجوه دیگر است که چنین اجماعی فی‌نفسه معتبر نیست (همان؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۲۷).

مجموع این دلایل استیمان را به‌عنوان قاعده‌ای مستقل و قابل‌استناد اثبات می‌کند. مطابق این قاعده امین ضامن نیست مگر در صورتی‌که در مسئولیت خود یعنی امانت‌داری مرتکب تعدی و تفریط شده باشد.

۲-۳. مفاد قاعده

فهم مفاد و مضمون قاعده‌ی استیمن مستلزم بحث از عناصر و ارکان قاعده از قبیل امانت، تعدی و تفریط و ضمان است. در ادامه به تبیین این عناوین پرداخته می‌شود.

۲-۳-۱. مقصود از امانت

از تعریف قاعده‌ی استیمن و همچنین از منشاء اذنی که در امانت مطرح است، به‌دست می‌آید که امانت بر دو قسم است: امانت شرعی و امانت مالکی. امانت شرعی که حقوق‌دانان از آن به امانت قانونی نیز یاد می‌کنند، آن است که بدون اطلاع مالک، شخصی به موجب حکم شرع یا قانون مجاز باشد مال دیگری را نگهداری یا در آن تصرف نماید مانند ید اولیاء بر اموال مولی‌علیه‌هم، اعم از حاکم شرع، وصی، پدر، جد پدری، امین پدر یا جد پدری و نیز یابنده‌ی مال دیگری که در نزدش امانت شرعی و قانونی است. همچنین هرگاه به سببی مال مجهول‌المالک در اختیار کسی قرار گیرد به‌عنوان امین شرعی محسوب می‌شود.

مقصود از امانت مالکی که در متون حقوقی از آن به امانت عقدی یاد می‌شود، این است که مالک مال خود را با اذن و اختیار خود به دیگری تحویل دهد تا از آن نگهداری یا در آن تصرف نماید. رابطه‌ی مال و متصرف تابع تراضی و قرارداد آن است و قانون و عرف به‌عنوان عامل تفسیرکننده یا تکمیل‌کننده در آن دخالت دارد مانند ودیعه، عاریه، مضاربه، مزارعه، مساقات، اجاره و... (کاتوزیان، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۷؛ امامی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۶۶).

همچنین امانت مورد بحث در قاعده‌ی استیمن دو معنی دارد: نخست امانت در مقابل غصب است، در این صورت امین کسی است که غاصب نباشد. مستأجر، وکیل، عامل در مضاربه، مستعیر و نظایر آنها از این جهت امین هستند که غاصب نیستند بلکه مال را با رضایت مالک آن در اختیار دارند. دومین معنای امانت در مقابل خیانت است. یعنی امین شخصی است که خائن نباشد. او فردی مورد اطمینان و وثاقت است به نحوی که اگر بگوید کالا بدون تعدی و تفریط تلف شده اقرار او پذیرفته می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۲۵۰).

حال در همین جهت که مراد از امین، مقابل خائن باشد آیا مقصود کسی است که به حسب عرف و واقع امین است همچنان که پیامبر اکرم (ص) قبل از دوران رسالتش به محمد امین معروف

بود و او را امین خطاب می‌کردند؟ یا اینکه مراد از امین در اینجا کسی است که صاحب مال او را امین بداند و به عبارت دیگر مؤتمن باشد؟

باتوجه به اختلاف استنباط فقیهان از مبانی قاعده‌ی استیمن، برخی امین را کسی دانستند که صرفاً در نزد صاحب مال مورد اطمینان باشد و در نزد او مؤتمن به حساب آید (فاضل لنکرانی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۳۱).

بعضی دیگر امین را شخصی دانستند که واقعاً در عرف به عنوان امین شناخته شده باشد به نحوی که در زمینه اعطاء مال به او و مراقبت از مال مورد اطمینان باشد (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۱۳).

چنین فردی که به عنوان امین در نظر گرفته می‌شود در صورت عدم تعدی و تفریط از ید امانی برخوردار است.

۲-۳-۲. مقصود از تعدی و تفریط

عدم ضمان امین مقید به عدم تعدی و تفریط است. تعدی عبارت است از انجام دادن کاری که شخص مأذون نباید آن را انجام دهد مانند اینکه مالک، لباسی را به عنوان ودیعه و امانت به دیگری دهد و او آن را بپوشد یا کالای عاریه‌ای را در غیر موردی که اذن دارد استفاده نماید یا به کیفیتی غیر از آنچه معمول است بهره‌برداری نماید مثل اینکه در منزل استیجاری که برای سکونت اجاره کرده کارگاه درست کند و عملی انجام دهد که به ضرر منزل باشد.

تفریط هم این است که امین به نحو صحیح از مال مراقبت ننماید و در نگهداری آن سهل‌انگاری نماید یا عملی را که باید انجام دهد ترک نماید مثل اینکه ماشین مالک را که قرار است در پارکینگ قرار گیرد در جای دیگر پارک کند، یا نگهبان به جای بیداری و حفاظت از مال به خواب رود و مراقبت ننماید و نهایتاً مال ناقص یا تلف گردد (مراغی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۴۴۸؛ محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۹۷).

بنابراین فرق تعدی با تفریط این است که تفریط غالباً جنبه‌ی انفعالی و غیر عمدی و غیر خائنانه دارد ولی در تعدی عنصر خیانت و جنبه‌ی فاعلی و عمدی موجود است (همان).

برای تحقق تفریط و تعدی علم یا جهل شخص امین یا حتی قصد تجاوز از حدود اذن یا متعارف نقشی ندارد. آنچه موجب ضمان می‌شود کاری است که برخلاف قرارداد یا متعارف انجام بگیرد خواه از روی علم و عمد انجام گیرد و خواه از روی فراموشی یا جهل و غفلت.

۲-۴. قلمرو قاعده

همان‌گونه که از نظر گذشت، امانت در قاعده‌ی استیمنان یا مالکی است که امین به جهت اذنی که مالک در نگهداری مال یا در تصرف اموالش به او می‌دهد، ضامن شناخته نمی‌شود یا شرعی یا قانونی است که امین بودن او از ناحیه شرع یا قانون است. هرکدام از دو نوع امانت در احکام فقهی و قانون مدنی مصادیقی دارد که به مهم‌ترین آن اشاره می‌شود.

۲-۴-۱. وکیل در عقد وکالت

در کتب فقهی نسبت به ضامن نبودن وکیل آمده است: «الوکیل امین لایضمن ما تلف فی یده الا مع التفریط او التعدی» (حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۶۲؛ حلی، ۱۳۸۷ق، ج ۲، ص ۳۵۰؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ۳۸۳، نجفی، ۱۹۸۱، ج ۲۷، ص ۳۴۷). وکیل امین است لذا نسبت به تلف آنچه که در اختیارش است، ضامن نیست جز در صورت تفریط یا تعدی.

۲-۴-۲. مستودع در عقد ودیعه

ودیعه در زمره‌ی امانت مالکانه است زیرا مالک با اختیار خود و در اثر قراردادی که با دیگری منعقد می‌سازد مال خویش را به منظور حفاظت و نگهداری به دیگر تحویل می‌دهد و بدین وسیله مستودع را نایب خود قرار می‌دهد. اعطای نیابت در عقد ودیعه، صرفاً برای حفظ مال است لذا قواعد و ادله‌ی مربوط به امانت، رابطه‌ی امین با مالک و مسئولیت‌های ناشی از این رابطه در عقد ودیعه مطرح می‌شود و ودیعه را امانت به معنای خاص می‌نامند. اما نیابت در غیرودیعه به منظور سایر تصرفات است مثل اینکه مالک به دیگری وکالت می‌دهد تا خانه‌ی او را بفروشد یا منزلش را به مستأجر اجاره می‌دهد. حفاظت و مراقبت در اجاره، وکالت، عاریه، مضاربه و... جنبه‌ی فرعی دارد. بنابراین هرچند ودیعه در کنار سایر تصرفات به‌عنوان امانت مالکی محسوب می‌شود اما امانت

اصطلاحی و به معنای خاص همان ودیعه است و در عرف هم اجاره، مضاربه، وکالت و... را امانت نمی‌دانند.

در متون فقهی به صراحت به ضامن نبودن مستودع (گیرنده‌ی ودیعه) اشاره شده است. محقق حلی آورده است: «والودیعه امانه لا یضمنها المستودع الامع التفريط او العدوان» (حلی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۱۵۰). شهیداول نیز بیان داشته است: «ولا ضمان علیه الا بالتعدی فیها او التفريط» (عاملی، ۱۴۱۰ق، ص ۱۴۷).

۲-۴-۳. مستعیر در عقد عاریه

عاریه هم از موارد و مصادیق امانت مالکانه است که مالک برای انتفاع مستعیر مال خود را مجاناً در اختیار او قرار می‌دهد و از باب اینکه مستعیر امین است بر او ضمان نیست. موضوع عدم ضمان مستعیر در فقه شیعه معروف و مشهور است، به عنوان نمونه به چند مورد از اقوال فقیهان اشاره می‌شود:

شیخ طوسی: «العاریه فهی امانه غیر مضمونه الا ان یشرط صاحبها»؛ عاریه امانتی است که مورد ضمانت واقع نمی‌شود مگر اینکه صاحب مال آن را شرط کند. (شیخ طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۳، ص ۴۹).

شهید اول: وهی (العاریه) امانه لا یضمن الا بالتعدی او التفريط» عاریه امانتی است که ضمان نمی‌آورد مگر در صورت تعدی یا تفريط (عاملی، ۱۴۱۰ق، ص ۱۴۹).

۲-۴-۴. مستأجر در عقد اجاره

از مصادیق دیگر امانت مالکی، ید مستأجر است که در شرایط متعارف و بدون تعدی و تفريط ضامن نیست، در این خصوص نیز به عباراتی از قول فقیهان اشاره می‌شود:

ابن حمزه طوسی: «و ان تلف من غیر تفريط منه (المستأجر) لم یضمن»؛ اگر عین اجاره بدون تفريط مستأجر تلف شود، ضمان آور نیست (طوسی، ۱۴۰۸ق، ص ۲۶۷).

محقق حلی: «اذا تعدی فی العین المستأجره ضمن قیمتها وقت العدوان» (حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۱۴۸).

محقق حلی ضمان مستأجر را مقید به تعدی کرده و همانطور که گذشت، گاهی لفظ تعدی یا تفریط به تنهایی ذکر می‌شود ولی هر دو عنوان مقصود است، که در اثر آن مستأجر ضامن می‌شود.

۲-۴-۵. مرتهن در عقد رهن

ید رهن نیز از مصادیق امانت مالکی است و مرتهن در عقد رهن امین محسوب می‌شود لذا اگر مرتکب تعدی و تفریط ضامن نیست. در کلام فقیهان در این رابطه آمده است: الإجماع أن الرهن أمانة في يد المرتهن، لا يضمن الا مع التفریط؛ اجماع بر این است که رهن در دست مرتهن امانت است و ضامن نیست مگر در صورت تفریط (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۲۰، ص ۲۳۴).

طباطبایی بروجردی: إن المرتهن لا يضمن الا مع التعدی أو التفریط؛ مرتهن ضامن نیست مگر در صورت تفریط (طباطبایی بروجردی، ۱۴۱۳ق، ص ۱۴۲).

۲-۴-۶. عامل در عقد مضاربه (مضارب)

عقد مضاربه نیز در زمره امانت مالکی قرار دارد و در کلام فقیهان به عدم ضمان عامل در غیرتعدی و تفریط تصریح شده است. در این باره صاحب عروه گفته است: «عدم ضمان العامل إلا مع التعدی أو التفریط» (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۶۴۷). در ماده ۵۵۶ ق.م. نیز آمده است: «مضارب در حکم امین است و ضامن مال مضاربه نمی‌شود مگر در صورت تفریط یا تعدی».

۲-۴-۷. عامل در عقد مزارعه

ید عامل در عقد مزارعه امانی محسوب می‌شود. در این باره در کلام فقیهان آمده است: «... أو ادعی علیه تقصيره في العمل على وجه يضر بالزرع و أنكر الزارع عدم العمل بالشرط أو التقصير فيه فالقول قوله لأنه مؤتمن في عمله»؛ اگر بر علیه زارع (عامل) ادعا شود که در اثر تقصیر وی به محصول آسیب رسیده شود و او چنین ادعایی را انکار کند، از وی پذیرفته می‌شود. زیرا او امین و عملش نیز مورد اطمینان است (همان، ص ۷۳۳).

۲-۴-۸. شریک در عقد شرکت

مطابق دیدگاه فقیهان ید شریک نیز ید امانی محسوب می‌شود. در این باره آمده است: «الشّریک امین علی المال المشترك»؛ شریک امین بر مال مشترک است (حائری، بی تا، ص ۱۸۹). ماده‌ی ۵۸۴ ق.م نیز مقرر می‌دارد. شریکی که مال الشرکه‌ی در ید اوست در حکم امین است و ضامن تلف و نقص آن نمی‌شود مگر در صورت تفریط یا تعدی. افزون بر موارد مذکور، در کتب فقهی موارد دیگری نیز به‌عنوان مصادیق ید امانی ذکر شده است که به‌جهت عدم کاربرد آن در مباحث بانکی، به‌ذکر آن در قانون مدنی بسنده می‌شود.

۲-۴-۹. عامل در عقد مساقات

عقد مساقات که شباهت زیادی به عقد مزارعه دارد در زمره عقود امانی قرار دارد و ید عامل نیز در آن امانی به شمار می‌آید. در این باره آمده است: «لو ادعی علیه أن التلف کان بتفریطه إذا کان أمیناً له کما هو الظاهر»؛ اگر ادعا شود که عامل با تفریط خود موجب تلف محصول شده، او همچنان بر حسب ظاهر امین محسوب می‌شود (همان، ص ۷۵۵).

۳-۴-۱۰. وصی در عقد وصایت

فردی که عنوان وصی منسوب می‌شود مطابق احکام فقهی دارای ید امانی است و در صورت عدم تعدی و تفریط نسبت به تلف مال ضامن نمی‌باشد. در کتب فقهی آمده است: «...فلا ضمان علی الوصی إذا لم یکون مفراطاً، لان المال امانه عنده و لا ضمان علی الأمین»؛ ضمانتی بر عهده وصی نیست تا زمانی که تفریط نکرده نباشد. زیرا مال نزد وی امانت است و امین نیز ضامن نیست (خویی، ۱۴۱۶ ق، ج ۲، ص ۱۴۷).

۲-۵. کاربرد قاعده در قانون مدنی

در قانون مدنی طی مواد متعددی به ضامن نبودن امین، مستقیم یا غیرمستقیم اشاره شده است. در ماده ۶۱۴ ق.م آمده است: «امین ضامن تلف یا نقصان مالی که به او سپرده شده است نمی‌باشد مگر در صورت تعدی یا تفریط».

این حکم گرچه در ذیل قرارداد ودیعه ذکر شده اما مخصوص آن نیست. لذا در همه‌ی مواردی که مالی به‌عنوان امانت مالکی یا شرعی در دست کسی قرار بگیرد، وی امین است و مادام که مرتکب تعدی و تفریط نشود، ضامن نخواهد بود.

مطابق ماده ۹۵۱ ق.م.تعدی، تجاوز نمودن از حدود اذن یا متعارف است نسبت به مال یا حق دیگری و مطابق ماده ۹۵۲ ق.م. نیز تفریط، عبارت است از ترک عملی که به موجب قرارداد یا متعارف بر حفظ مال غیرلازم است.

در رابطه با عدم‌ضمان وکیل ماده‌ای که صراحتاً دلالت کند ذکر نشده ولیکن از قید تقصیر وکیل که در ماده ۶۶۶ آمده است: هرگاه از تقصیر وکیل خسارتی به موکل متوجه شود که عرفاً مسبب آن محسوب می‌گردد، مسئول خواهد بود، به خوبی فهمیده می‌شود که وکیل بدون تقصیر که همان تعدی و تفریط می‌باشد، ضامن نیست.

ماده ۶۴۰ نیز در مورد ضامن نبودن مستعیر مقرر می‌کند: «مستعیر ضامن تلف یا نقصان مال عاریه نمی‌باشد مگر در صورت تفریط یا تعدی».

براساس ماده ۶۳۱، عین مستأجره در دست مستأجر امانت است و ماده ۴۹۳ ق.م. نیز بیان داشته است: «مستأجر نسبت به عین مستأجره ضامن نیست به این معنا که اگر عین مستأجره بدون تفریط یا تعدی تلف شود، مسئول نخواهد بود ولی اگر مستأجر تفریط یا تعدی نماید ضامن است، اگرچه نقص در نتیجه‌ی تفریط یا تعدی حاصل نشده باشد».

ماده‌ی ۷۸۹ نیز بیان می‌کند: «رهن در ید مرتهن امانت محسوب است و بنابراین مرتهن مسئول تلف یا ناقص شدن آن نخواهد بود مگر در صورت تقصیر».

مطابق این ماده عین مرهونه در دست مرتهن به‌عنوان امانت بوده و قوانین حاکم بر امین، بر مرتهن نیز جاری است. البته در رهن بعد از براءت ذمه‌ی مدیون و قبل از مطالبه‌ی مالک، مال در ید مرتهن همچنان امانت است و مرتهن متصرف، امین به شمار می‌آید. ماده ۷۹۰ ق.م. هم در این ارتباط چنین می‌گوید: بعد از براءت ذمه‌ی مدیون رهن در ید مرتهن امانت است لکن اگر با وجود مطالبه، آن را رد ننماید، ضامن آن خواهد بود اگر چه تقصیر نکرده باشد.

ماده‌ی ۵۳۶ نیز در ذیل عقد مزارعه تصریح می‌کند هرگاه عامل به‌طور متعارف مواظبت در زراعت ننماید و از این حیث حاصل کم شود یا ضرر دیگر متوجه مزارع گردد، عامل، ضمن تفاوت خواهد بود. این ماده ضامن بودن عامل در مزارعه را منوط به عدم مواظبت از زراعت به‌طور متعارف

نموده که معلوم است پس از انجام عقد مزارعه و تسلیم زمین از ناحیه‌ی مالک به عامل برای انجام زراعت، عامل در نگهداری زمین، امین مالک به حساب می‌آید و لذا صرفاً در صورت تعدی و تفریط ضامن خواهد بود.

در رابطه با عدم‌ضمان عامل در عقد مساقات، ماده‌ی ۵۴۵ بیان می‌کند: «مقرر مقررات راجع به مزارعه در مورد عقد مساقات نیز مرعی خواهد بود مگر اینکه عامل نمی‌تواند بدون اجازه‌ی مالک معامله را به دیگری واگذار یا با دیگری شریک نماید».

مطابق ماده‌ی ۸۵۸ نیز وصی نسبت به اموالی که برحسب وصیت در ید او می‌باشد حکم امین را دارد و ضامن نمی‌شود مگر در صورت تعدی یا تفریط.

۲-۶. کاربرد قاعده در قراردادهای بانکی

براساس مباحث گذشته، اقتضای قاعده استیمن این است که در عقود نظیر وکالت، مشارکت و مضاربه مال در دست طرف معامله به نحو امانی قرار گیرد و وی نسبت به تلف مال در فرض عدم‌تعدی و تفریط، ضامن نباشد.

این قاعده در قراردادهای بانکی نیز کاربرد دارد و در حکم به ضمان یا عدم‌ضمان می‌بایست مطابق آن عمل شود. در ذیل به موارد کاربرد این قاعده در قراردادهای موردنظر این پژوهش اشاره خواهیم کرد.

۲-۶-۱. قرارداد مشارکت مدنی

در بند ۲ ماده ۱۳ از قرارداد مشارکت مدنی آمده است: «شریک مسئول جبران ضرر و زیان بانک و عواقب ناشی از تأخیر در اجرای موضوع مشارکت خواهد بود». به نظر می‌رسد جبران ضرر از سوی شریک در صورتی ضمان‌آور است که منتسب به شریک باشد. درواقع مطابق قاعده استیمن شریک در صورت عدم‌تعدی و تفریط، ضامن نیست و می‌بایست قصور شریک در تأخیر در اجرای موضوع مشارکت احراز شود تا وی نسبت به جبران ضررهای حاصله ضامن باشد. این درحالی است که این شرط به صورت مطلق و در فرض عدم‌تعدی و تفریط نیز شریک را ضامن دانسته است.

۲-۶-۲. دستور العمل اجرایی مضاربه

در ماده ۱۱ و ۱۲ دستورالعمل ذیل می‌توان کاربرد قاعده استیمن را مشاهده کرد.

ماده ۱۱- بانک‌ها می‌توانند برای حصول اطمینان از انجام عمل مضاربه و حسن اجرای قرارداد، از عامل - طبق قرارداد مربوطه - تأمین کافی اخذ نمایند.

ماده ۱۲- بانک‌ها موظف‌اند؛ برای جبران خسارت وارده بر اصل سرمایه، ضمن عقد صلح موضوع ماده این دستورالعمل، از عامل تعهد کافی اخذ نمایند.

مطابق قاعده استیمن ید عامل، امانی است و در صورت عدم تعدی و تفریط ضامن نیست. اما در این دو ماده شرطی در ضمن قرارداد گنجانده شده که عامل با پذیرش آن متعهد و ضامن می‌گردد. در این شرط قاعده اقدام نیز جریان دارد. زیرا عامل به صورت اختیاری ضمانت را پذیرفته است. در واقع اصل اولی و اقتضای قاعده استیمن، اصل عدم ضمان در صورت عدم تعدی و تفریط است اما در این دو ماده با تمسک به قاعده اقدام و شروط، از اصل اولی عدول شده است.

۲-۶-۳. قرارداد مضاربه بانک مرکزی ج.ا.ایران

مطابق ماده ۸ قرارداد، در صورتی که نتیجه عملیات مضاربه منجر به زیان شود، عامل با امضای این قرارداد و ضمن عقد خارج لازم دیگری متعهد گردید؛ اصل سرمایه متعلقه را به حساب بانک منظور نماید. این ماده با ملاحظه قاعده استیمن تدوین شده است. بنابر اقتضای قاعده استیمن، عامل در عقد مضاربه امین است و ید او امانی است. بنابراین تنها در صورتی که مرتکب تعدی یا تفریط شده باشد نسبت به خسارات وارده ضامن می‌باشد. اما در این ماده با استفاده از ظرفیت قاعده شرط، عامل متعهد شده است حتی در فرض عدم تعدی و تفریط، سرمایه را در برابر هر گونه خسارات احتمالی تضمین نماید.

البته در ماده ۲۰ قرارداد مضاربه بانک مرکزی، اینکه هزینه بیمه اموال موضوع عملیات ناشی از قرارداد مضاربه در برابر خطراتی همچون آتش‌سوزی، انفجار، زلزله و بر عهده عامل قرار داده شده است، منصفانه نیست. چرا که ید عامل ید امانی است و مطابق قاعده استیمن در برابر بروز خسارات قهری ضامن نیست. در این قرارداد اگر چه عامل به‌طور مستقیم در برابر این خسارات ضامن واقع نشده است اما تحمیل هزینه بیمه بر او با توجه به نگاه شرع به عامل که وی را امین محسوب کرده و او را از پرداخت هر گونه خسارات ناشی از حوادث قهری بری‌الذمه کرده است، در تنافی است. افزون

بر این، باتوجه به اینکه مضاربه در زمره عقود مشارکتی قرار دارد، عدم مشارکت بانک در چنین هزینه‌هایی عادلانه نیست.

۲-۶-۴. مضاربه بانک انصار، بانک ملی و کار آفرین

در قرارداد مضاربه بانک انصار ذیل ماده ۵، بند ۴ آمده است عامل ضمن عقد لازم خارج (صلح) قبول نمود چنانچه به هر دلیل ولو حوادث قهری، زیان و نقصانی متوجه اصل سرمایه بانک گردد معادل آن را به اضافه هزینه‌های احتمالی وارده، از اموال دیگر خود مجاناً به بانک پرداخت و تملیک نماید. اقتضای قاعده استیمن، عدم ضمان عامل در صورت عدم افراط و تفریط است اما با این صلح عامل را از طریق عقد لازم خارج (صلح) نسبت به جبران هزینه‌های احتمالی و خسارات وارده ولو به دلایل قهری ضامن می‌کند.

در ذیل ماده ۷- بند ۴ نیز آمده است عامل باید در نگهداری و حفاظت از سرمایه و اموال مضاربه اقدامات و احتیاطات لازم را به عمل آورد. این بند مقتضای قاعده استیمن و تأکید بر عدم افراط و تفریط عامل است.

قاعده مزبور در قرارداد مضاربه بانک کار آفرین و بانکی ملی نیز کاربرد دارد. مطابق ماده ۱۱ این دو قرارداد، عامل ضمن عقد خارج لازم قبول و تعهد نمود چنانچه به سرمایه بانک خسارت و یا نقصانی وارد شود آنرا از اموال خود جبران و مجاناً و بلاعوض پرداخت نماید. اقتضای قاعده استیمن این است که ید عامل امانی باشد مگر در صورت تعدی و تفریط. اما در اینجا به مقتضای قاعده شروط توافق شده عامل در غیر تعدی و تفریط هم ضامن باشد.

همان گونه که ملاحظه می‌شود مطابق قرارداد مضاربه بانک مرکزی و برخی بانک‌های دولتی و خصوصی در صورتی که نتیجه عملیات مضاربه منجر به زیان شود، عامل متعهد شده است حتی در فرض عدم تعدی و تفریط، سرمایه را در برابر هر گونه خسارات احتمالی تضمین نماید.

مشهور فقهیان در رابطه با ضمان عامل در قرارداد مضاربه بر این باورند که عامل امین است و شرط ضمان او خلاف مقتضای قرارداد است. (علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۳۳۱؛ محقق کرکی، ۱۴۱۴، ج ۸، ص ۵۴، عاملی، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۳۴۳). به طور حتم مقتضی امین بودن عامل، عدم ضمانت اوست. به عبارت دیگر مقتضای امانی بودن ید عامل، عدم ضمان وی است و شرط ضمان

با ادله‌ای که بر عدم‌ضمان امین دلالت می‌کند، تناقض دارد. همچنین شرط ضمان با نمایندگی که از طرف مالک به عامل داده شده، در تضاد است. درواقع عامل از طرف مالک تجارت می‌کند و اثر اصلی عقد نیز اعطای همین نمایندگی به او می‌باشد. حال اگر در معامله‌ای که عامل به نمایندگی از مالک منعقد می‌کند، زیان رخ دهد، این زیان باید در مرحله‌ی اول از سود حاصل از تجارت، در مرحله دوم از سرمایه و در نهایت از دارایی مالک جبران شود. بنابراین اگر شرط شود که خسارت بر عهده عامل باشد، به این معناست که آثار معامله در دارایی نماینده ظاهر شود و این نتیجه با مفهوم نیابت و مقتضای مضاربه مخالف است (کاتوزیان، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۱۳۱). براساس نظر اکثریت فقهاء، در ماده ۵۵۸ قانون مدنی مقرر شده است: «اگر شرط شود مضارب، ضامن سرمایه خواهد بود و یا خسارات حاصله از تجارت، متوجه مالک نخواهد شد، عقد باطل است». البته اقلیت فقهاء مانند صاحب جواهر چنین شرطی را صحیح می‌دانند (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۶، ص ۳۴۲). اما باتوجه وضعیت حقوقی موجود و صراحت قانون به نظر می‌رسد چنین شرطی باطل محسوب می‌شود.

علاوه بر این، شرط ضمان عامل گویای این است که متعاملین قصد جدی برای انعقاد حقیقی مضاربه نداشته‌اند. در واقع گنجاندن چنین شرطی انصراف عرفی به قرض با بهره دارد؛ گویا طرفین معامله تنها وجهی را به شرط زیاده رد و بدل کرده‌اند.

۲-۶-۵. قرارداد مرابحه انصار

در این قرارداد ذیل ماده ۵، بند ۳ آمده است: «در صورتی که قبل از خرید مورد معامله، مبلغ تسهیلات تلف شود و از بین برود مشتری مکلف است از مال خود مجاناً به بانک تملک نماید».

در قرارداد مرابحه مشتری پس از خرید موظف است بلافاصله به وکالت از بانک بلافاصله با خودش با مبلغ معینی که حاوی سود است، بفروشد. براین اساس مشتری وکیل بانک است و بر طبق قاعده استیمان، امین به حساب می‌آید.

اما شرط مندرج در این ماده خلاف قاعده استیمان است؛ چرا که اطلاق قاعده اقتضا می‌کند ید وکیل، ید امانی باشد اما در این ماده با قاعده اقدام تخصیص خورده است. یعنی وکیل با پذیرش این شرط، نسبت به ضامن بودن خود اقدام کرده است. البته لازم است در این ماده تصریح شود اگر مبلغ تسهیلات، قبل از خرید یا مبیع (کالا) بعد از خرید، تلف شود، مشتری مکلف است مجاناً از مال خود به بانک تملیک کند.

در بند ۲ از ماده ۱۵ نیز آمده است: «مشتري متعهد است چنانچه قبل از خريد اموال يا خدمات براي بانك يا فروش اموال يا خدمات خريداري شده به خود، سرمايه بانك به هر دليلي تلف شود از مال خود مجاناً به بانك تمليك نمايد». اين شرط در رابطه با ضمان وكييل است. البته اصل اولي قاعده استيمان و عدم ضمان امين (وكييل) است اما اين اصل را با شرط ضمن عقد مي‌توان تقيد زد و وكييل را ضامن نمود.

۳. نتیجه‌گیری

۱. قاعده استيمان بدین معناست که چنانچه شخصی بر مال دیگری استیلا یابد مادام که تعدی یا تفریط نکند، ضامن نیست. منظور از عدم ضمان در اینجا آن است که اگر مال مورد تصرف، تلف شود، مثل و یا قیمت از شخص امین قابل مطالبه نیست. البته مراد از تلف، تلفی است که بدون تعدی و تفریط انجام گیرد و چنانچه با تعدی و تفریط باشد، از مصادیق این قاعده خارج و داخل در دایره قاعده اتلاف و یا تسبیب خواهد بود.
۲. تعدی عبارت است از انجام دادن کاری که شخص مأذون نباید آن را انجام دهد و تفریط هم این است که امین به نحو صحیح از مال مراقبت ننماید و در نگهداری آن سهل‌انگاری نماید یا عملی را که باید انجام دهد ترک نماید.
۳. وکیل در عقد وکالت، مستودع در عقد ودیعه، مستعیر در عقد عاریه، مستأجر در عقد اجاره، مرتهن در عقد رهن، عامل در عقد مضاربه، عامل در عقد مزارعه، شریک در عقد شرکت، عامل در عقد مساقات و وصی در عقد وصایت دارای ید امانی هستند و در صورت عدم تعدی و تفریط هیچ‌گونه ضمانی ندارند.
۴. مطابق قاعده استيمان ید شریک و عامل در قرارداد مشارکت مدنی و مضاربه امانی است و در صورت عدم تعدی و تفریط ضامن نیستند. مگر اینکه شرطی در ضمن قرارداد گنجانده شده که شریک و عامل با پذیرش آن متعهد و ضامن گردند. در این شرط قاعده اقدام جریان دارد. زیرا شریک و عامل به صورت اختیاری ضمانت را پذیرفته است. البته مطابق برخی از دیدگاه‌های فقهی شرط ضمان عامل در قرارداد مضاربه دارای مشکل شرعی است و با ماهیت و کارکرد اصلی قرارداد مضاربه نیز تناقض دارد.

۵. در قرارداد مرابحه مشتری وکیل بانک است و بر طبق قاعده استیمن، امین به حساب می‌آید. البته در قراردادهای بانکی می‌توان وی را با گنجاندن شرطی ضامن قرار داد.
۶. بررسی متن نمونه‌ای از قراردادهای بانکی نشان می‌دهد که در تدوین این قراردادها به فحوائی قاعده استیمن توجه شده است اما بانک‌ها به منظور جلوگیری از بروز خسارات احتمالی، ید امانی مشتری را از طریق شرط ضمن عقد به ید ضمانی تبدیل نموده‌اند و بدین وسیله خود را در برابر ریسک ناشی از فعالیتهای اقتصادی مصون کرده‌اند.

منابع

۱. امامی، سیدحسن (۱۳۷۴)، حقوق مدنی، تهران، انتشارات کتاب فروشی اسلامیة.
۲. حائری، سیدمحمد، (بی‌تا)، کتاب المناهل، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، اول.
۳. حرّعاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل‌الشیعّه، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، اول.
۴. حلّی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق)، شرائع‌السلام فی مسائل‌الحلال و الحرام، قم، مؤسسه اسماعیلیان، دوم.
۵. حلّی، جعفر بن حسن (۱۴۱۸ق)، المختصر‌النافع فی فقه‌الامامیه، قم، مؤسسه المطبوعات الدینیّه، ششم.
۶. حلّی، حسن بن یوسف (۱۳۸۷ق)، ایضاح‌الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، قم، مؤسسه اسماعیلیان، اول.
۷. حلّی، حسن بن یوسف، (بی‌تا)، تذکره‌الفقهاء، مؤسسه آل‌البیت، قم.
۸. حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳ق)، قواعد‌الأحكام فی معرفه‌الحلال و الحرام، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، اول.
۹. خویی، سیدابو القاسم (۱۴۱۰ق)، منهاج‌الصالحین، نشر مدینه‌العلم، قم.
۱۰. خویی، سیدابو القاسم (۱۴۱۶ق)، معتمد‌العروه‌الوثقی، قم، منشورات مدرسه دارالعلم، دوم.
۱۱. شهیدثانی، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۰ق)، الروضه‌البهیة فی شرح‌اللمعه‌الدمشقیه، قم، کتاب فروشی داوری، اول.
۱۲. طباطبایی بروجردی، آقا حسین (۱۴۱۳ق)، تقریرات ثلاث، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، اول.
۱۳. طباطبایی یزدی، سیدمحمد کاظم (۱۴۰۹ق)، العروه‌الوثقی، بیروت، مؤسسه‌الأعلی للمطبوعات، دوم.
۱۴. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷ق)، المبسوط فی فقه‌الإمامیه، تهران، المکتبه‌المرتضویه لإحیاء الآثار‌الجغفریه، سوم.

۱۵. طوسی، محمدبن علی ابن حمزه (۱۴۰۸ق)، الوسيلة إلى نيل الفضيلة، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، اول.
۱۶. عاملی، محمدبن مکی (۱۴۱۰ق)، اللمعة الدمشقية فی فقه الإمامیه، بیروت، دار التراث، اول.
۱۷. علامه بحرانی، یوسف بن احمد (۱۴۰۵ق)، الحقائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، قم، دفتر انتشارات اسلامی، اول.
۱۸. علامه مجلسی، محمدنقی (۱۳۹۵)، بحار الانوار، تهران: مکتبه الاسلامیه.
۱۹. فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۱۶)، القواعد الفقهیه، قم، انتشارات مهر.
۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران، دارالکتب الإسلامیه، چهارم.
۲۱. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۶)، دوره مقدماتی حقوق مدنی اعمال حقوقی، تهران، انتشارات سهامی انتشار، چاپ دوازدهم.
۲۲. _____، (۱۳۸۸)، عقود معین، شرکت سهامی انتشار، چاپ هشتم.
۲۳. مازندرانی، محمد هادی (۱۴۲۹ق)، شرح فروع الکافی، دار الحديث للطباعة و النشر، قم، اول.
۲۴. محدث نوری، میرزا حسین، (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۴، اول، بیروت: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۲۵. محقق داماد، سید مصطفی (۱۴۰۶ق)، قواعد فقه، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران، دوازدهم.
۲۶. محمدی، ابوالحسن (۱۳۷۴)، قواعد فقه، تهران، بی جا.
۲۷. مراغی، سید میر عبد الفتاح، (۱۴۱۷ق)، العناوین الفقهیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، اول.
۲۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۱ق)، القواعد الفقهیه، قم، مدرسه امام امیر المؤمنین (ع)، سوم.
۲۹. موسوی بجنوردی، سید حسن (۱۴۱۹ق)، القواعد الفقهیه، قم، نشر الهادی، اول.
۳۰. نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴)، جواهر الکلام، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ هفتم.

۳۱. نوری، فضل الله بن عباس، (۱۴۱۴ق)، رساله فی قاعده ضمان الید، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، اول.

